خط حزب‌الله

هفته‌نامه خبری-تبیینی | سال چهارم، شماره ۱۹۴ | هفته اول مرداد ۹۸ | نشریه جامعه مؤمن و انقلابی | KHAMENEI.IR

ما ایرانی‌ها در طول تاریخ طولانی خودمان دوران‌های متفاوتی را گذرانده‌ایم؛ عزت هم داشتیم، ذلت هم داشتیم؛ اما در این دوران طولانی دویست ساله‌ی منتهی به انقلاب، ما یک دوران سخت تاریک ذلت را گذرانیدیم. در همین دوران دویست ساله است که معاهده‌ی ذلت‌بار ترکمانچای و قبل از آن، معاهده‌ی گلستان اتفاق افتاد؛ هفده شهر قفقاز را از ایران جدا کردند. در همین دوران دویست ساله بود که آمدند بوشهر ما را اشغال کردند. در همین دوران بود که یک دولت بیگانه آمد در قزوین اردوی نظامی زد و دولت مرکزی تهران را تهدید کرد که باید فلان کار را بکنید... والّا به تهران حمله می‌کنند. در همین دوران بود که قرارداد ننگین ۱۲۹۹-۱۹۱۹ میلادی - اتفاق افتاد؛ که بر طبق این قرارداد، سیاست کشور و اقتصاد کشور یکباره در اختیار دشمنان ایران قرار می‌گرفت. در همین دوران بود که رئیس سه کشور - که متحدین جنگ بودند - به تهران آمدند و بدون اینکه از دولت اجازه بگیرند، در اینجا جلسه تشکیل دادند. روزولت، چرچیل و استالین به میل خودشان به تهران آمدند و جلسه تشکیل دادند؛ نه از کسی اجازه گرفتند، نه گذرنامه‌ای نشان دادند. محمدرضا که آن روز پادشاه ایران بود، مورد اعتنای اینها قرار نگرفت، آنها به دیدن او نرفتند، او به دیدن آنها رفت؛ وارد اتاق شد، برایش بلند نشدند، اعتنا نکردند!۱۴ ۹۱/۳/

با اجازه انگلیس و آمریکا!

در اوایل رفتن رضاخان به هنوز تکلیف سلطنت در ایران درست معلوم نشده بود، سفیر انگلیس در تهران به کسی که ژنرال محمدرضا به او مراجعه کرده بود که تکلیف خودش را بداند، می‌گوید که چون بر طبق اطّلاعات ما، محمدرضا به رادیو برلین گوش می‌کند و پیشرفت‌های آلمان را روی نقشه پی می‌گیرد، پس مورد اعتماد ما نیست. آن شخص، خبر را به محمدرضا می‌دهد. او هم گوش کردن به رادیو برلین را ترک می‌کند و کنار می‌گذارد! آن وقت سفیر انگلیس می‌گوید: «حالا دیگر عیبی ندارد» می‌شود او را به سلطنت انتخاب کرد.» ۷۴/۳/۱۴ کار در دوران پهلوی به جائی رسیده بود که شاه خائن برای اینکه فلان کس را به‌عنوان نخست‌وزیر معین بکند، مجبور بود با سفیر انگلیس - و بعدها با سفیر آمریکا - در میان بگذارد و در واقع از او استجازه کند و اجازه بگیرد. این تاریخ در دیار گذشته‌ی ماست. ۸۸/۲/۲۲

وقتی روحیه تحقیر حاکم شود

وقتی یک چنین روحیه‌ای در میان مردمی حاکم شد، دستگاه سیاسی آن کشور و آن ملت هم به طور طبیعی نوکر مآب می‌شود... همان رضاخانی که بخصوص در نیمه‌ی دوم سلطنتش آنچنان با مردم خود با خشونت رفتار کرده بود... در مقابل یک پیغام ساده‌ی انگلیسی‌ها که گفتند «باید از سلطنت کناره گیرد و از کشور خارج شد» همینطور محمدرضای پهلوی در سال‌های دهه‌ی چهل و دهه‌ی پنجاه شدیدترین فشارها را بر این ملت و بر مبارزان و بر آزادیخواهان - خشن؛ بدون اندک ملاحظه‌ای از مردم - وارد کرد؛ اما همین آدم در مقابل سفیر آمریکا و سفیر انگلیس خشوع و خضوع می‌کرد و از آنها حرف می‌شنفت؛ ناراحت هم بود، اما مجبور بود. این حکومت یک ملتی است که از عزت ملی محروم است. ۸۸/۲/۲۲

و اما ورق برگشت

انقلاب کبیر اسلامی به کلی جهت را عوض کرد و ورق را برگرداند. همت امام - که رهبر این انقلاب و زمامدار این انقلاب و پیشوای این انقلاب بود - بر این گماشته شد که «روح عزت ملی» را در این مردم احیاء کند؛ عزت آنها را به آنها برگرداند. امام بزرگوار فرهنگ «ما می‌توانیم» را به دهان مردم انداخت و در دل آنها جاگیر کرد. خود امام جلو افتاد، رهبری کرد، آن وقت انگیزه‌ها در مردم بیدار شد، همت‌ها در مردم بیدار شد، استعدادها جوشیدن گرفت؛ و عمل مردم، حضور مردم در صحنه، زمینه‌ی جلب رحمت الهی شد. ۹۱/۳/۱۴

می‌نوشتند ایران شکست می‌خورد!

جان کلام من در صحبت امروز عبارت است از: اوّل عظمت ایران، دوّم اقتدار جمهوری اسلامی و سوّم شکست‌ناپذیری ملّت ایران- اینها واقعیّاتی است که دشمنان ملّت ایران آرزو می‌کنند که ما اینها را ندانیم یا از آنها غفلت کنیم و گمان دیگری در مورد خودمان و کشورمان و ملّتمان بریم؛ ولی این حقایق واضح‌تر از این است که کسی بتواند آنها را انکار کند. «عظمت ایران» یک امر واضحی است که هر منصفی ناچار است آن را تصدیق بکند. در مورد «اقتدار جمهوری اسلامی» همین بس که جمهوری اسلامی، کشور ایران را از زیر سلطه‌ی انگلیس و آمریکا بیرون کشید... و برای اوّلین بار در این قرن‌های اخیر، در یک جنگی جمهوری اسلامی توانسته است مانع از تجزیه‌ی کشور بشود... اقتدار به این است که جمهوری اسلامی توانسته است اعتبار و احترام این کشور را در منطقه و در کل جهان بالا ببرد و یکه‌تنه در مقابل جبهه‌ی وسیع استکبار بایستد.

جواب سخت به دشمن

بنابراین گزینه‌ی قطعی ملّت ایران مقاومت در مقابل آمریکا است و در این رویارویی، در این مقاومت، او وادار خواهد شد به عقب‌نشینی. و بحث مقاومت هم بحث برخورد نظامی نیست؛ این که حالا بعضی هم مسئله‌ی جنگ را در روزنامه و در فضای مجازی و مانند اینها مطرح می‌کنند حرف بیخودی است. جنگی بنا نیست انجام بگیرد و به توفیق الهی انجام هم نخواهد گرفت، نه ما دنبال جنگیم، آنها هم به صرفه‌شان نیست که دنبال جنگ باشند و می‌دانند که به صرفه‌شان نیست. ۹۸/۲/۲۴ جمهوری اسلامی و ملّت ایران آن مجموعه‌ای هستند که هر کس به آنها تعرّض بکند ممکن است ضربه بزند، امّا ضربه‌ی بزرگ‌تر را خودش خواهد خورد. ۹۷/۵/۲۲

نمونه‌های اخیر این موضوع را می‌توان در واکنش ایران به تعرض پهپاد آمریکایی به خاک‌های سرزمین ایران، و همینطور ماجرای نفتکش انگلیسی ملاحظه کرد. همان موضوعی که رهبر انقلاب در دیدار هفته‌ی گذشته‌ی خود نیز به این موضوع اشاره کرده و فرموده بودند: «حالا انگلیس خبیث - که واقعاً خُبث او واضح است - دزدی دریایی می‌کند، کشتی ما را در واقع می‌دزدند... البتّه ان‌شاءالله جمهوری اسلامی و عناصر مؤمن آن، این کارها را، این خباثت‌ها را بی‌جواب نمی‌گذارند، در فرصت خود و جای خود پاسخ خواهند داد.» ۹۸/۴/۲۵ حال کشوری که در دویست سال گذشته چنان بود که ماجرایش گذشت، به برکت روح عزتی که انقلاب اسلامی و معمار آن، امام خمینی (ره) در این ملت زنده کرد، بدان جا رسیده است که مقتدرانه در مقابل بزرگ‌ترین قدرت‌های جهانی می‌ایستد و البته هیچکدام نیز جرأت واکنشی علیه او ندارند.

این شماره تقدیم می‌شود به ارواح طیبه شهدای عملیات والفجر ۳ و علمیات مرصاد

بالاترین اجرها برای انسانی است که در راه خدا مبارزه می‌کند

بهترین مردن‌ها، شهادت است. بالاترین اجرها برای انسانی که در راه خدا مبارزه می‌کند، نوشیدن شربت گوارای شهادت است. خوشا به حال آن عزیزان و گوارا باد بر آنها این نعمت بزرگ الهی! آنها با شهادت، اجرشان را گرفتند. شهادت، یعنی وارد شدن در حریم خلوت الهی، و میهمان شدن بر سر سفره‌ی ضیافت الهی؛ این کم چیزی نیست؛ این خیلی باعظمت است. پروردگارا! تو را به حق خون شهیدان، تو را به حق اولیائت، تو را به حق صاحب‌الزمان (ارواحنافداه)، مرگ ما را هم به شهادت در راه خودت قرار بده. ۷۰/۱۰/۱۱

نشریه جامعه مؤمن و انقلابی | صاحب‌امتیاز: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای)

ارتباط با خط حزب‌الله... | پیامک ۱۰۰۰۱۰۲۸ | ایتا eitaa.com/khattehezbollah | گپ Gap.im/KhatteHezbollah | دورنگار ۶۶۹۷۷۲۳۸-۰۲۱ | بله ble.im/khattehezbollah | سروش Sapp.ir/KhatteHezbollah

کلام امام

این نیروی خدایی را حفظش کنید

این نعمتی که خدا به شما داد و شما را متحول کرد به یک ملت دیگری، شمایی که از پاسیان می‌ترسیدید، از رژیم شاهنشاهی نمی‌ترسیدید. شمایی که از یک باتوم می‌ترسیدید از مسلسل‌ها نترسیدید. این نیروی خداست. این نیروی خدایی را حفظش کنید! حفظ به این است که باز توجهتان به آنجا باشد. این قدر دنبال این نباشید که ما خانه‌مان چه جور است، و زندگیمان چه جور است و چه. دنبال آن شرافت انسانی باشید. دنبال آن معنا باشید که شما را پیروز کرد. پیروزی بر دشمن! آن هم یک همچو دشمنی که همه چیز ما را می‌خواهد از بین ببرد، بالاترین چیزی است که برای یک ملتی حاصل می‌شود. ۱ دی ۱۳۵۸

خانواده ایرانی

دلیل تهاجم کشورهای غربی به حجاب

شما بدانید زنان مسلمان، در بسیاری از نقاط دنیا امروز به شما نگاه می‌کنند و از شما یاد می‌گیرند. این که می‌بینید در بعضی از کشورهای غربی، در بعضی از کشورهای مسلمان اما با حکومت‌های غیر اسلامی، این‌طور حجاب اسلامی مورد تهاجم دشمنان دین قرار می‌گیرد، این نشان‌دهنده گرایش زنان به حجاب است. در کشورهای همسایه‌ ما، آن جاهایی که به حجاب اهتمام نمی‌شد؛ در کشورهای اسلامی که بنده خودم از نزدیک بعضی جاها را دیدم که هرگز اسمی از حجاب در آن جا آورده نمی‌شد؛ در مدت بیست ساله‌ی بعد از انقلاب، زنان؛ بخصوص زنان روشنفکر و بخصوص دختران دانشجو، به حجاب گرایش پیدا کردند؛ علاقه پیدا کردند؛ رو آوردند و حجاب را حفظ کردند؛ که نمونه‌هایش علاوه بر اینها در کشورهای غربی هم مشاهده شده است. ۷۹/۶/۳۰

حزب‌الله این است

امروز نیازمند جوانان خوش‌رو و حیّه امیدوار و شجاع هستیم

ما امروز نیازمندیم که جوانان ما خوش‌روحیّه، امیدوار، شجاع، دارای اعتماد به‌نفس، دارای ایمان، دارای روحیّه‌ی آینده‌نگر، دارای روحیّه‌ی خدمت [باشند]؛ احتیاج داریم دانشجوی ما این‌جور بار بیاید. خب، این را شما می‌توانید در محیط علمی، در کلاس درس تأمین کنید. عکس آن هم ممکن است: می‌شود با تعبیراتی، با متلک گفتن به بنیان‌ها و اصول پذیرفته‌شده‌ی کشور، دانشجو را نسبت به آینده‌ی کشور بی‌اعتماد کرد، بی‌اعتقاد کرد، لاابالی کرد؛ این هم می‌شود. آنجه از استاد انتظار می‌رود فقط تغذیه‌ی علمی دانشجو نیست، بلکه تقویت روحیّه‌ی معنوی او و شخصیّت معنوی او هم از استاد متوقّع است؛ شما می‌توانید در این زمینه اثر بگذارید. ۹۳/۴/۱۱

غبارروبی مضجع مطهر حضرت امام رضا(ع) | ۹۷/۵/۱۸
انتشار به مناسبت ایام زیارت مخصوص حضرت امام رضا(ع)

لازمه زیارت به چشم دیدن نیست

اگر بخواهید این فیض [زیارت] به شما برسد... که با حضرت «ملاقات» کنید؛ یعنی رفتنِ حرم و آمدن، صِرف رفتن به یک مکان و بیرون آمدن نباشد؛ آن جا یک موجودی و یک روح والایی حضور دارد؛ به این حضور توجه بکنید؛ ولو حالا شما آن شخص زیارت شده را - یعنی آن کسی که می‌خواهید با او ملاقات کنید - به چشم نمی‌بینید، لیکن «به چشم دیدن» که لازمه‌ی ملاقات نیست؛ او هست و سخن شما را می‌شنود، حضور شما را می‌بیند، شخص شما را می‌بیند، با او حرف بزنید؛ این شد زیارت. زیارت یعنی همین ملاقات. ۸۲/۱/۶

تفسیر قرآن

بعد از هر نصرتی، انسان موظف است به شکر خدا

بعد از هر نصرتی که خدای متعال به انسان می‌دهد، انسان موظف است خدای متعال را شکر و سپاس بگوید. بعد از آنکه خدای متعال به ما در یک عرصه‌ای یک موفقیتی را روزانی داشت، موظفیم تضرع و توسل و توجه خودمان را افزایش دهیم؛ این وظیفه‌ی ما است. فرمود: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ (۱) وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا (۲) فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا (۳)». (۱) نصرت، تفضل الهی است؛ باید ما را به خدای متعال نزدیک کند، رابطه‌ی ما را با خدا احیاء کند، تضرع ما را پیش خدای متعال افزایش دهد. خدا را شکر می‌کنیم؛ بحمدالله نصرت‌های الهی پی‌درپی شامل حال این مردم بوده است. ۹۲/۴/۳۰

خاطرات رهبری

قدر مرا بدان! چون به خاطر من با هواپیما به تهران آمدی

در هواپیمایی که مرا به صورت تحت الحفظ به تهران می‌برد، به مسائل مختلفی می‌اندیشید؛ به آینده‌ی این نهضت اسلامی که بر پا شده... به برپاکننده‌ی نهضت امام خمینی... به پدری که برای ادامه‌ی معالجه در تهران به من نیاز داشت و به علت ابتلا به آب مروارید، بینایی‌اش را داشت از دست می‌داد... به آینده‌ای که در انتظار من بود... از فکر به این امور که جز خدای متعال کسی از عاقبت آن آگاه نیست، منصرف شدم. مجلدای برداشتم و به ورق زدن آن پرداختم. هواپیما شبانه به آسمان تهران رسید. منظره‌ی درخشش چراغ‌های شهر دل انگیز بود. دیدم مأموران همراه من خیلی به دیدن چشم‌انداز تهران علاقه‌مندند و از اینکه به پایتخت رسیده‌اند، احساس خوشحالی می‌کنند؛ بویژه یکی از آن دو، خیلی ابراز خوشحالی می‌کرد. به او گفتم: قدر مرا بدان! چون به خاطر من با هواپیما به تهران آمدی. اگر بازداشتی کس دیگری جز من بود، تو را با اتومبیل به خاش می‌فرستادند و می‌بایستی شب تا صبح بیابان‌های برهوت را طی می‌کردی؛ ولی خب، حالا شب خوشی را در تهران خواهی گذراند! خنده‌ای از ته دل کرد، که برخاسته از احساس کامل خوشبختی و رضایت بود. ●منبع: کتاب خون دلی که لعل شد

نهج البلاغه

آدمی که تقوا ندارد تصمیم‌هایش در اختیار خودش نیست

تقوا، یعنی مراقب خود بودن. تقوا، یعنی یک انسان بداند که چه کار می‌کند و هر حرکت خودش را با اراده و فکر و تصمیم انتخاب کند؛ مثل انسانی که سوار بر یک اسب رهوار نشسته، دهانه‌ی اسب در دستش است و می‌داند کجا می‌خواهد برود. تقوا، این است. آدمی که تقوا ندارد، حرکات و تصمیمها و آیندهاش در اختیار خودش نیست. به تعبیر خطبه‌ی نهج‌البلاغه: کسی است که او را روی اسب سرکشی انداخته‌اند؛ نه این که او سوار شده است. اگر هم سوار شده، اسب‌سواری بلد نیست. دهانه در دستش است، اما نمی‌داند چگونه باید سوار اسب شود. نمی‌داند کجا خواهد رفت. هر جا که اسب او را کشید، او هم مجبور است برود و قطعاً نجاتی در انتظار او نیست. (۱) ● ۷۷/۲/۷

۱) خطبه ۱۶

روش تحلیل سیاسی

عنصر خطرناکی به نام «تردید»

تردید، صفت بسیار بد و عنصر خطرناکی است. این تردید را با استدلال القاء نمی‌کنند؛ استدلالی وجود ندارد. امروز نظامی که مدّعی رهبری دنیاست - که در رأسش هم آمریکاست - جز ظلم، خونریزی، خشونت‌های بی‌نظیر، تضییع حقوق و تبعیض، چیز دیگری از خود نشان نمی‌دهد و نمی‌تواند اطمینانی در دل کسی به وجود آورد؛ بنابراین استدلالی ندارند. با تبلیغات، با خریدن اشخاص و با شیرین کردن دهن این و آن، سعی می‌کنند در درون کالبد نظام اسلامی اختلال ایجاد کنند. باید مراقب این بود. نه تنها شما، بلکه همه‌ی ما باید مراقب این خطر باشیم. هر کس در درجه‌ی اوّل باید مراقب دل خود و سپس مراقب دل مجموعه و مرتبطان به خود باشد. ● ۸۱/۶/۲۴

گزارشی از آخرین حماسه حضور مردم در دوران دفاع مقدس

از چهارزبَر تا مرصاد

چهار روز پس از پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ توسط ایران، ارتش بعث صدام در یک تهاجم تازه به ایران حمله کرد. از آنجا که پس از پذیرش قطعنامه اکثریت نیروهای نظامی ایران از منطقه تخلیه شده بودند، یعنی ها توانستند تا ۳۰ کیلومتری خرمشهر پیشروی کنند. خرمشهر مدافعان چندانی نداشت و در آستانه‌ی سقوط قرار گرفت. اما دم مسیحایی امام خمینی(ره)، روح تازه‌ای به جبهه‌ها دمید و مجدداً خیل گسترده‌ی مردم به سمت جبهه‌ها شتافتند و نیروهای یعنی مجبور به عقب‌نشینی شدند. اما منافقین بیکار ننشستند. آنها که پایان جنگ را به ضرر خود می‌دیدند و هر لحظه احتمال می‌دادند که ممکن است بعد از جنگ، جایی در کنار صدام نداشته باشند، طرح عملیات «فروغ جاویدان» را کلید زدند.

حمایت گسترده‌ی آمریکا و اروپا از منافقین

عصر روز جمعه ۶۷/۴/۳۱ حدود ساعت ۶ بعدازظهر به قسمت‌های مختلف مستقر در قرارگاه اشرف و اردوگاه‌های دیگر ابلاغ شد که همه برای سخنرانی مسعود رجوی رأس ساعت ۸ در سالن عمومی حضور داشته باشند. ساعت در حدود ۱۱:۳۰ شب بود که مسعود و مریم وارد سالن شدند. رجوی شروع به سخنرانی کرد. حدود نیم ساعت از شروع صحبتش گذشته بود که گفت: «کارهای بزرگ در پیش داریم... دیگر وقت آن رسیده است که به ایران برویم. طرح عملیات بزرگی را کشیده‌ایم که در نهایت منجر به فتح تهران و سقوط رژیم می‌شود.» بعد هم با همان توهم همیشگی گفت: «جمع‌بندی نهایی در میدان آزادی تهران.»

منافقین سعی کردند تمام عناصر خود در خارج از کشور و بالاخص اروپا را در قالب این ارتش سازمان دهند. نیرویی به تعداد تقریبی ۱۵ هزار نفر که توسط صدام به تجهیزات نو و پیشرفته‌ی آن روز مجهز شده بود. در کنار این، منافقین از حمایت‌های مستقیم آمریکا هم برخوردار بودند. در ۳۰ خرداد ۶۷، ۱۳۷ نماینده‌ی کنگره و ۱۴ سناتور طی نامه‌ای به «جورج شولتز»، وزیر خارجه‌ی وقت آمریکا از وی خواسته بودند که به جنبش‌های مقاومت داخلی در ایران توجه کند و در همین راستا حمایت از سازمان مستقر در عراق (یعنی منافقین) را اکیداً توصیه کرده بودند. «مروین دایملی» نماینده کنگره‌ی آمریکا نیز روز دوشنبه ۶ تیرماه ۶۷ در تظاهرات سازمان در واشنگتن شرکت کرده و طی سخنانی که از یکی از شبکه‌های تلویزیونی آمریکا هم پخش شد اظهار داشت: «نباید دست از تلاش کشید، مطمئن باشید که با کمی صبر و تلاش بیش‌تر به‌زودی از مهران به تهران رژه خواهید رفت.»

هجوم بی‌رحمانه منافقین

ساعت چهار بعد از ظهر سوم مرداد، منافقین از مرز خسروی گذشتند و در پناه ارتش بعث تا سرپل ذهاب پیش آمدند. بعد به سمت باختران (کرمانشاه) پیشروی کردند. آنها برای رسیدن به باختران باید دو شهر کرند و اسلام‌آباد غرب، و سپس تنگه‌های پاتاق، حسن‌آباد و چهارزبر را پشت سر می‌گذاشتند. در راه، هر جنبنده‌ای را که می‌دیدند، فورا می‌کشتند. زن و مرد و کودک بی‌گناه، از ترس کشته شدن، وحشت‌زده از پیش‌روی‌شان فرار می‌کردند.

با شروع حمله شهرهای سرپل ذهاب، کرند و پس از آن اسلام‌آباد در روز اول اشغال شد. منافقین شب اول در اسلام‌آباد توقف کردند و همه‌ی مجروحان حاضر در بیمارستان را قتل‌عام کردند. پس از تصرف سه شهر در روز اول، منافقین مسرور از پیروزی به دست آمده به سمت کرمانشاه حرکت کردند. حتی رادیو منافقین با ارسال پیام برای مردم کرمانشاه، از آن‌ها می‌خواهد خود را برای ورود نیروهای منافقین آماده کنند

منافقین متلاشی شدند

صبح روز پنجم مرداد اما عملیات مرصاد از طرف نیروهای ایرانی شروع شد. منافقین که در طول مسیر با مقاومت روبه‌رو نشده بودند و انتظار نداشتند با نیروهای زیادی در گیر شوند، ناگهان خود را در حجم زیادی از آتش دیدند. نیروهای ایرانی در ۳۴ کیلومتری اسلام‌آباد ود در منطقه‌ی چهارزبر با منافقین در گیر شدند. فرماندهی عملیات برعهده‌ی کسی نبود جز «علی صیاد شیرازی». از سوی ستاد کل به او مأموریت داده شد تا غائله‌ی به پا شده را بخواباند. با پشتیبانی نیروی هوایی ارتش، از روز دوم تعداد زیادی از منافقین کشته شدند. چتربازان با عملیات هلی‌برن توسط هلیکوپترهای هوانیروز در جاده‌ی کرند و تنگه‌ی پاتاق، عقبه‌ی منافقین را مسدود و ارتباط آنها را قطع کردند و نهایتا باقی‌مانده‌ی منافقین که جان سالم به در بردند، به روستاهای اطراف پناه برده و گریختند. عده‌ای نیز با خوردن سیانور خودکشی کردند. پس از پایان عملیات تنگه‌ی چهارزبر، «تنگه‌ی مرصاد» نام گرفت.

نکته‌ی قابل تأمل در خصوص عملیات مرصاد این بود که ۷۰۰ نفر از اعضای معدود منافق در این عملیات توابینی بودند که در سال‌های قبل از آن با فرمان عفو امام خمینی(ره) از زندان آزاد شده و در عملیات مرصاد شرکت کرده بودند. حتی با شروع عملیات مرصاد، زندانیان منافقی که در زندان دوران محکومیت خویش را سپری می‌کردند نیز اقدام به شورش و قیام نمودند تا به خیال خام خودشان با فرار از زندان به یاری و کمک منافقان مهاجم به کشور بشتابند، اما آنچه خدا می‌خواست چیز دیگری بود، همان که به آخرین پیامبرش وعده داده بود: «إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ».

برش دیدار

پیروزی بدون مقاومت و مبارزه به دست نمی‌آید

پیروزی بدون مقاومت و مبارزه به دست نمی‌آید و ما براساس وعده‌ی تخلف ناپذیر الهی معتقدیم که موضوع فلسطین قطعاً به نفع مردم فلسطین و دنیای اسلام، تمام خواهد شد. حماس در قلب حرکت فلسطین قرار دارد همانگونه که فلسطین در قلب حرکت دنیای اسلام قرار گرفته است. خداوند به کسانی که ثابت‌قدم در راه او ایستادگی کنند، وعده یاری و پیروزی داده است و البته تحقق این وعده الزاماتی دارد که از مهم‌ترین آنها جهاد و مبارزه و تلاش خستگی‌ناپذیر در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، فکری، اقتصادی و نظامی است. اینکه آقای سیدحسن نصرالله می‌گوید من آن شاءالله در مسجدالاقصی نماز می‌خوانم، برای ما یک امید کاملاً عملی و قابل تحقق است. ۹۸/۴/۳۱

پرسش پاسخ

چرا در جامعه اسلامی، افرادی روزبه‌روز میلیاردر و افرادی فقیرتر می‌شوند؟

بله؛ این اشکال وارد است. خود من یکی از کسانی هستم که به این مسأله ایراد دارم. البته اگر کسی از راه صحیح می‌تواند ثروت جمع کند، هیچ‌کس به او اعتراضی ندارد؛ منتها این که کسانی با سرعت به ثروت‌های کذایی می‌رسند، اصلاً از راه صحیح و جز با تقلّب و روش‌های ممنوع و حرام امکان ندارد. منابع کشور محدود است. لازمه‌ی انباشته شدن ثروت حرام در یکجا، گود افتادن و خالی شدن کیسه‌ی عدّه‌ای دیگر در کنار آن است؛ همین که امیرالمؤمنین فرمود: «ما رأیت نعمة موفورة الّا و فی جانبها حقّ مضیّع». ● ۸۲/۲/۲۲

رونق تولید

امروز هر کسی به اقتصاد کمک بکند جهاد انجام داده است

امروز عرصه‌ی اقتصاد، به‌خاطر سیاست‌های خصمانه‌ی آمریکا، یک عرصه‌ی کارزار است، یک عرصه‌ی جنگ است، جنگی از نوع خاص. در این عرصه‌ی کارزار، هر کسی بتواند به نفع کشور تلاش کند، جهاد کرده است. امروز هر کسی بتواند به اقتصاد کشور کمک بکند، یک حرکت جهادی انجام داده است. این جهاد است؛ البتّه جهادی است که ابزار خودش را دارد، شیوه‌های مخصوص خود را دارد، باید این جهاد را همه با تدبیر مخصوص خود و سلاح مخصوص خود انجام بدهند. ● ۹۴/۱/۱